

بازتحلیل جایگاه فقه ترتیب در روش اجتهادی امام خمینی (ره)

کاظم ابراهیم‌زاده بخت‌آباد (نویسنده مسئول)

استاد سطوح عالی حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران

k.ebrahimzadeh68@gmail.com

احمد مبلغی

مدرس درس خارج حوزه علمیه قم، قم، ایران

چکیده

فقه ترتیب به معنای نظم و ترتیب در سه حوزه است: مراجعه به منابع شریعت، توجه به ارکان پنج‌گانه اجتهاد و بررسی فعالیت‌های مرتبط با این ارکان. در عرصه اجتهاد شاید در نگاه نخست به نظر آید که فقه ترتیب از اهمیت چندانی در استنباط برخوردار نیست؛ اما باید گفت که عملیات استنباط، بدون توجه به فقه ترتیب در مواضع نیاز بدان در غالب موارد - به ویژه در مسائل پیچیده‌تر و دارای ابعاد بیشتر - تقریباً بی‌معنا بوده و باید آن را کوششی بی‌حاصل محسوب کرد. از مزایای پرداختن به فقه ترتیب، تسهیل اجتهاد، افزایش کیفیت اجتهاد و کاهش خطا در اجتهاد است. بر این اساس پژوهش حاضر با هدف تبیین و تحلیل فقه ترتیب و سازوکارهای آن در روش فقهی امام خمینی (ره) صورت گرفته است. پژوهشی فرارو با روش توصیفی و تحلیلی مشخص کرده است که استنباط مطلوب نیازمند فقه ترتیب است و بر پایه‌ی یافته‌های این پژوهش امام خمینی در مسیر استنباط فقه ترتیب را با چهار سازوکار از قبیل: منظرها (انگاره، اندیشه، نظریه)، اطلاعات، تکنیک‌ها، سازمان‌دهی تکمیل می‌کند که یک استنباط مطلوب نیز باید چنین مسیری را طی کند.

واژگان کلیدی: فقه ترتیب، سازوکارهای فقه ترتیب، روش شناسی امام خمینی، ارکان اجتهاد.

ارکان اجتهاد^۱ شامل: فقه موضوع، فقه نصوص، فقه اقوال، فقه تطبیق و فقه ترتیب است. مراد از فقه ترتیب، تقدیم و تأخیر در سه چیز است: ۱. مراجعه به منابع شریعت (قرآن، سنت، عقل، اجماع) ۲. پرداختن به ارکان پنج‌گانه (فقه موضوع، فقه نصوص، فقه اقوال، فقه تطبیق و فقه ترتیب) ۳. پرداختن به فعالیت‌های درون مؤلفه‌ای.^۲ با توجه به اهمیت مباحث روش‌شناسی^۳ و فقه ترتیب که شاخه‌ای از روش‌شناسی است و همچنین تأثیری که بر شکل‌گیری معرفت فقهی و تدوین و تعلیم مباحث آن دارد، نگاهی اثری در توصیف و تحلیل فقه ترتیب بایسته به نظر می‌رسد. از طرفی ضرورت روش‌شناسی در فعالیت‌های استنباطی، دقیقاً مشابه ضرورت تدوین علم منطق، به عنوان ابزار تفکر است؛ تبدیل فرآیندهای ناخودآگاهی که متخصصین در هر فن اعمال می‌کنند به فرآیندهای خودآگاه، سبب کشف مغالطات و نواقص سبکی و محتوایی می‌گردد. این مطلب، در مورد نظریات فقهی نیز جاری است و فقه برای حرکت به سمت اصلاح و اِکمال، نیازمند روش‌شناسی و به طبع فقیه نیز نیازمند فقه ترتیب است.

احتمالاً در گذشته عدم توجه به روش، مسئله‌ی چندانی پدید نمی‌آورد ولی در دنیای امروز، با توجه به چالش‌هایی که شرایط جدید به بشریت تحمیل کرده و فضایی نوین را ایجاد کرده است، توجه به دیدگاه‌های کلان در زمینه دانش به عنوان راهی برای هماهنگ‌سازی آن با این شرایط و پاسخگویی به نیازها اهمیت دارد. از این رو، ضروری است که توجه ویژه‌ای به فقه ترتیب شود. چرا که فقه ترتیب به عنوان یکی از شاخه‌های یک روش، نه تنها می‌تواند به تثبیت چارچوب دانش در شرایط جدید کمک کند، بلکه می‌تواند به عنوان درگاهی برای تحوّل نیز عمل کند. این امر به دانش قدرت و ارتقا می‌بخشد، زیرا عالمان را با توانمندی‌ها و نقاط ضعف دانش آشنا می‌سازد و ابزارهای لازم برای برطرف کردن این نقاط ضعف را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد.

طرح و واکاوی بازنگرانه فقه ترتیب، از این جهت ضروری است که در واقع، فقه ترتیب، کوششی برای صعود به قله است. اگر فرد یا گروهی، مسیر استنباط را بدون فعال ساختن فقه ترتیب و سازوکارهای آن از قبیل منظرها (انگاره، اندیشه، نظریه)، اطلاعات، تکنیک‌ها و سازمان‌دهی بپیماید، یا در دستیابی به قله ناتوان خواهد ماند و یا با اتلاف و هدردهی بخش زیادی از توان و ظرفیت‌های خود، دیرتر از زمان لازم به قله، صعود خواهند کرد. از سوی دیگر، دانش‌هایی مانند «فلسفه فقه»، «فلسفه اصول»، «فلسفه استنباط» و مانند آن‌ها در سال‌های اخیر مورد توجه بیشتر قرار گرفته‌اند و به نظر می‌آید که با گذشت زمان نقش و اهمیت این‌گونه مباحث نیز بیش از پیش روشن شود و مطالعات بیشتری پیرامون آن‌ها شکل گیرد. قسمت‌های مهمی از این دانش‌ها را باید آن دسته از مباحثی دانست که در تکوّن و شکل‌گیری اجتهاد و تحقّق آن تأثیر می‌گذارند یعنی مباحثی از روش‌شناسی که بخش بزرگی از آن‌ها باید در سایه

^۱ ارکان اجتهاد از ابداعات استاد احمد مبلّغی (مدرس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم) است که برای اولین بار در ۲۹ مرداد ۱۴۰۲ در مدرسه تابستانه دارالعلم مشهد مطرح کردند.

^۲ فعالیت‌های درون مؤلفه‌ای در هریک از ارکان اجتهاد متفاوت است به عنوان مثال فعالیت‌های درون مؤلفه‌ای در فقه اقوال عبارت است از: ۱. تسلسل تاریخی اقوال ۲. تمرکز بر اقوال فقهای برجسته؛ در فقه موضوع عبارت است از: ۱. حیثیت موضوعی موضوع ۲. حیثیت تخصصی موضوع ۳. حیثیت فقهی موضوع و...؛ در فقه نصوص عبارت است از: فقه الصدور، فقه التفسیر و... . فقه موضوع، فقه اقوال و فقه نصوص به ترتیب از همین نویسندگان در نشریات علمی پژوهشی: «پژوهشنامه متین»، «پژوهش‌های فقهی» و «جستارهای فقهی و اصولی» پذیرش شده است که جهت مطالعه‌ی بیشتر در مورد هریک از فعالیت‌های درون مؤلفه‌ای این ارکان می‌توان به این مقالات مراجعه کرد.

Stylistics^۳

بررسی شرایط اجتهاد، مورد کاوش و تنقیح قرار گیرند که از آن جمله فقه ترتیب است. با توجه به این پژوهش یک استنباط به شکل مطلوب باید فقه ترتیب را با سازوکارهای خاص خود از قبیل ۱. منظرها (انگاره، اندیشه، نظریه) ۲. اطلاعات ۳. تکنیک‌ها ۴. سازمان‌دهی را در خود جای دهد. بنابراین بررسی و تحلیل جایگاه فقه ترتیب در روش فقهی امام خمینی براساس شناخت جامع روشی ایشان به منظور بازشناسی و بیان آثار فقهی مترتب بر آن، مسئله پژوهش در این نوشتار است.

پیشینه

فقه ترتیب با توضیحی که از آن ارائه شد به طور پراکنده مورد توجه باحثان فقه و پیرافقه بوده است به گونه‌ای که گاه کتاب‌ها و مقالاتی نیز به این موضوع پرداخته و ادبیاتی را در این باره خلق کرده‌اند از جنبه‌های مثبت این آثار این است که در راستای ترویج و شناساندن روش‌شناسی و مکاتب فقهی گام‌های ارزشمندی برداشته‌اند اما هیچگاه به خلق اثری تفصیلی در حوزه فقه ترتیب و سازوکارهای آن اقدام نکرده‌اند. اما پژوهشی حاضر ضمن تحلیل روش فقهی امام خمینی، فقه ترتیب همراه با چهار سازوکار آن را به عنوان رکنی از ارکان اجتهاد تبیین و آن را با روش فقهی امام خمینی تطبیق می‌کند. ضمن اینکه فقه ترتیب در روش فقهی هر فقیه دارای روشی متفاوت می‌تواند باشد که روش فقهی امام خمینی با توجه به جایگاه فقه‌اقتی ایشان قابل توجه و بررسی است. در هر صورت در ارتباط با جزئی از موضوع تحقیق آثاری به منصف ظهور رسیده که عبارتند از: پیش درآمدی بر مکتب‌شناسی فقهی از ضیایی فر به نشر سال ۱۳۸۶، مکتب فقهی امام خمینی از ضیایی فر به نشر سال ۱۳۹۰، درس خارج و گام‌های اجتهاد از مبلغی به نشر سال ۱۳۹۸، درآمدی بر مکتب فقهی قم و نجف از ایزدی به نشر سال ۱۳۹۰، الگوریتم اجتهاد در دو جلد از واسطی به نشر ۱۴۰۰، روش‌شناسی اجتهاد از علیدوست به نشر ۱۴۰۳ و... منتشر شده است.

۱. روش‌های اجتهاد

از آن‌جا که موضوع پژوهش حاضر جایگاه فقه ترتیب در روش فقهی امام خمینی است ضرورت دارد به انواع روش‌های اجتهاد توجه کرد. روش اجتهادی فقهاء در استنباط، از منظری سه روش کلی است که عبارتند از روش تحلیلی، روش تطبیقی و روش تنزیهی.^۴

۱/۱. روش تحلیلی

مطالعه مبتنی بر به کارگیری ابزارهای منطقی و رهیافت تحلیلی در دین پژوهی را روش تحلیلی یا روی‌آورد تحلیلی گویند.^۵ در این روش فقه‌های تحلیلی نظرات مختلف در مورد یک مسئله را جمع‌آوری کرده و با کنار هم قرار دادن آن‌ها، به وثوق و اطمینان یا ظنی که به نظرش بهترین راه حل ممکن است، در خصوص حکم شرعی آن مسئله دست

^۴ روش تنزیهی اغلب از مطلوبیت چندانی برخوردار نیست چرا که این روش به طور عمده سعی و تلاش بر عدم ورود به برخی از مباحث و احتیاط در استنباط متمرکز شده است. (مبلغی، درس خارج و گام‌های اجتهاد، ۲۴۴) لذا در این پژوهش به آن پرداخته نمی‌شود و نقد آن نیازمند پژوهش دیگری است. استاد علیدوست نیز روش کلی اجتهاد را دو قسم می‌داند. (ر.ک: علیدوست، روش‌شناسی اجتهاد، ۱۲۷) جهت مطالعه بیشتر نسبت به روش فقهی امام خمینی: ابراهیم‌زاده، کاظم؛ دلاوری، حسن (۱۴۰۲). تحلیلی بر روش اجتهادی امام خمینی و محقق خویی با تاکید بر کتاب الخلل فی الصلاه، دوفصلنامه آموزه‌های فقه عبادی، دوره ۳، شماره ششم، صفحات ۷-۲۵.

^۵ قراملکی، روش‌شناسی مطالعات دینی، ۲۵۸.

می‌یابد؛ هرچند هر یک از ظنون استفاده شده در مسیر استنباط به تنهایی ارزشی نداشته باشد.^۶ مشهور علمای اصول از بین ادله ظنی آن دسته‌ای را که به عنوان خاص مانند خبرثقه حجیتشان ثابت شده معتبر می‌دانند و از سایر ظنون فقط برای مؤید استدلالشان استفاده می‌کنند.^۷ از جمله علمای اصول، امام خمینی است که با تجمیع ظنونی همانند شهرت و روایات حکم مسئله را بیان می‌کنند. با توجه به اینکه محور اصلی و اساسی در این روش، تحلیل ظنونی است که در کنار هم تجمیع شده‌اند لذا می‌توان از این روش به روش تحلیلی یاد کرد. برخی از فقها همانند صاحب جواهر^۸ و شیخ انصاری^۹ نیز از این روش در فرایند اجتهاد خود استفاده کرده‌اند که تعبیر به کار گرفته شده توسط ایشان بیانگر همین امر است.

۲/۱. روش تطبیقی

روش تطبیقی دومین روش به کارگیری در فرایند اجتهاد است. برخی از فقها از این روش در فرایند اجتهاد خود استفاده می‌کنند. بدین معنا که مشی و رویکرد استنباطی آن‌ها بر تطبیق قاعده، مبتنی شده است. این دسته، ذهن منظم و دستگاه‌مندی داشته و عمده همت آنان در استنباط و حل و فصل مسائل، به «قواعد» و تطبیق آن‌ها بر مصادیق خود در مسائل مورد بحث معطوف می‌باشد. این دسته کمتر به دیگر عوامل، مانند سیر تاریخی مسئله و قراین نهفته در آن، شهرت، تجمیع شواهد و... توجه نشان می‌دهند و بدین معنا نیست که اصلاً توجهی نداشته باشند. به روش تطبیقی، روش صناعت‌محور، ریاضی‌گونه، فقه صناعت، فقه فنی، روش قاعده‌گرا هم می‌گویند.^{۱۰}

۲. فقه ترتیب

مراد از فقه ترتیب، تقدیم و تأخیر در سه چیز است: ۱. مراجعه به منابع شریعت (قرآن، سنت، عقل، اجماع) ۲. پرداختن به ارکان پنج‌گانه (فقه موضوع، فقه نصوص، فقه اقوال، فقه تطبیق و فقه ترتیب) ۳. پرداختن به فعالیت‌های درون مؤلفه‌ای.

فقه‌های امامیه کتاب و سنت را دو منبع اصلی استنباط احکام می‌دانند که بر سایر منابع مانند عقل و اجماع مقدم هستند. در فرایند استنباط، فقیهان ابتدا به کتاب و سپس به سنت مراجعه می‌کنند و تخطی از این روش به ندرت اتفاق می‌افتد که در این صورت معمولاً انتقاد دیگر فقیهان را در پی دارد.^{۱۱} ولی فقیهانی که رویکرد عقلایی دارند، در مباحث معاملات ابتدا به ادله عقلی و عقلایی مراجعه می‌کنند و سپس به ادله نقلی می‌پردازند.

امام خمینی (ره) در بررسی معاملات، ابتدا به قواعد و مرتکزات عقلایی مراجعه می‌کند و سپس براساس تحلیل‌های به‌دست آمده، به آیات و روایات می‌پردازد. این رویکرد نشان‌دهنده نگاه عقلایی ایشان به مباحث است. به عنوان

^۶ مبلغی، درس خارج و گام‌های اجتهاد، ۲۴۲.

^۷ انصاری، فرایند الاصول، ۵۸۵/۱.

^۸ نجفی، جواهرالکلام، ۴۱۶/۱۵.

^۹ انصاری، کتاب الطهارة، ۳۷۶/۳.

^{۱۰} مبلغی، درس خارج و گام‌های اجتهاد، ۲۴۲.

^{۱۱} صاحب حدائق در انتقادی بیان می‌کند که احکام شرعی بر اساس ادله شرعی است و نه بر اساس ادله عقلی. او اشاره می‌کند که گرچه در میان فقیهان، شهرتی برای تقدم ادله عقلی بر ادله نقلی وجود دارد و در برخی کتاب‌های فقهی ابتدا ادله عقلی ذکر می‌شود اما این روش کاملاً نادرست است و او آن را در آثار خود به وضوح توضیح داده است. بحرانی، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، ۳۸۷/۲۵.

نمونه در بحث خيار عيب می‌گوید: خيار عيب امری عقلایی است، نه تعبدی و اخبار هم بر همین امر عقلایی حمل می‌شود.^{۱۲} در مثال دیگر چنین مطرح می‌کنند: در بررسی این مسئله که آیا مشتری می‌تواند فقط عقد را فسخ کند یا بین فسخ و اخذ ازش مخیر است، ابتدا باید توجه کرد که خيار عيب یک مفهوم عقلایی است و مختص به محیط شرع نیست. سپس به تحلیل رفتار عقلا در باره خيار عيب می‌پردازد و چنین می‌آورد: تحلیل رفتار عقلا نشان می‌دهد که مشتری در ابتدا حق فسخ معامله را دارد، اما اخذ ازش زمانی امکان‌پذیر است که بازگرداندن مبيع ممکن نباشد، مانند زمانی که مشتری در مبيع تصرفاتی انجام دهد که آن را از حالت اولیه‌اش خارج کند، مانند بریدن و دوختن پارچه. امام خمینی (ره) در این متن به تحلیل عقلایی علت ثبوت ازش پرداخته و آن را محدود به حالتی می‌داند که مبيع تغییر شکل یافته و قابل بازگشت نباشد. وی حکم خيار عيب را بر اساس قواعد عقلایی بررسی کرده و سپس به تحلیل روایات می‌پردازد و می‌نویسند: آنچه از امثال این روایات به دست می‌آید - به ویژه با توجه به این که حکم عقلایی است - این است که تصرفی صورت نگرفته و فقط حق رد برای مشتری محفوظ است و در صورت تصرف، حق گرفتن ازش دارد.^{۱۳} در دیدگاه امام خمینی (ره)، ارتکازها و قواعد عقلایی در اولویت قرار دارند و روایات در رتبه دوم هستند بلکه بر اساس ارتکازها و قواعد عقلایی به تفسیر روایات می‌پردازند. لذا این روش امام (ره) نشان می‌دهد که در مسائل عقلایی، تقدم با قواعد و ارتکازهای عقلایی است.

امام خمینی در بسیاری از احکام معاملات، دلیل عقلایی را محکم‌ترین دلیل می‌دانند و به آن اعتماد می‌کنند. به عنوان مثال در بحث خيار غبن، برای اثبات این خيار به نقد و بررسی استدلال‌های فقیهان از جمله استدلال به آیات، روایات، ارجاع به خيار تخلف شرط و استدلال به حرمت غبن پرداخته و می‌نویسند: استدلال‌های فقیهان برای اثبات خيار غبن کامل نیست، اما می‌توان گفت که خيار در بيع غبنی امری عقلایی است و این، محکم‌ترین دلیل در این زمینه به شمار می‌رود. همچنین معتقدند اشتراط سقوط خيار غبن در متن، به عنوان مهم‌ترین دلیل برای سقوط خيار مطرح است.^{۱۴}

امام خمینی از اصولی مانند اصالة الصحة،^{۱۵} اصالة السلامة،^{۱۶} قاعده ید^{۱۷} و قاعده اقرار^{۱۸} تحلیل عقلایی ارائه می‌دهد و تأکید می‌کند که این قواعد عقلایی به منظور نظم‌دهی به امور جامعه وضع شده‌اند. اعتبار این قواعد نیز بر اساس بنای عقلا استوار است. اما برخی از طرفداران مکتب مرحوم عراقی^{۱۹} تا مقام استنباط مطرح می‌شود، بلافاصله سراغ قواعد اصولی می‌روند در صورتی که غالباً به اقوال در یک حجم کمتری مراجعه می‌کنند و برخی از فقها از جمله محقق خویی^{۲۰} غالباً با ذهن خالی سراغ حدیث می‌روند و بعد به اقوال و قواعد فقهی و اصولی مراجعه

^{۱۲} خمینی، کتاب‌البيع، ۱۴/۵.

^{۱۳} خمینی، کتاب‌البيع، ۱۷/۵.

^{۱۴} خمینی، کتاب‌البيع، ۵۰۲/۴.

^{۱۵} خمینی، کتاب‌البيع، ۱۷/۵.

^{۱۶} خمینی، کتاب‌البيع، ۱۲۴/۵.

^{۱۷} خمینی، کتاب‌البيع، ۲۹۰/۵ و ۲۹۷ و ۴۶۴.

^{۱۸} خمینی، الرسائل العشرة، ۱۶۳ و ۱۶۷ و ۱۷۰.

^{۱۹} عراقی، حاشیه المکاسب، ۵۵۶.

^{۲۰} خویی، موسوعة الامام الخوئي، ۱۰۹/۱۸.

می‌کنند، در صورتی که برای یک استنباط مطلوب باید رفت و برگشت‌های مراجعه به منابع شریعت و ادله، دارای ترتیب و نظم باشد. نظم در فعالیت‌های درون مؤلفه‌ای مثلاً در فقه اقوال از گزاره‌های مطلوب در استنباط است به عنوان مثال در برخورد با اقوال می‌شود اینگونه عمل کرد: ۱. تسلسل تاریخی: که فقیه ابتدا اقوال فقهای پیشین را بررسی می‌کند و سپس به اقوال فقهای متأخر می‌پردازد که البته برخی سراغ اقوال نمی‌روند و به قول استادشان اکتفا می‌کنند که امری نامطلوب است چرا که دانش بر اساس اقوال شکل می‌گیرد. ۲. تمرکز بر اقوال فقهای برجسته: که برخی از فقهای برجسته به این دلیل که از یک عمق و اصالتی برخوردارند و قدرت بازنمایی تاریخ فقه را دارند از قبل شناسایی می‌شوند همچون علامه حلی، شهید اول، صاحب جواهر و یا شیخ انصاری که وقتی اقوال را مطرح می‌کنند دارای یک نظم و ترتیب منطقی منعکس کننده تاریخ فقه هستند لذا مطلوب است که مستنبط بر روی دیدگاه یک فقیه زبردست تمرکز کند و بعد در حاشیه و هامش آن فقیه زبردست، اقوال دیگران را نظم ببخشد.

۳. سازوکارهای فقه ترتیب

ارکان اجتهاد به پنج دسته از قبیل: فقه موضوع، فقه اقوال، فقه نصوص، فقه ترتیب و فقه تطبیق تقسیم می‌شود که هر کدام از این پنج رکن را باید با چهار سازوکار یعنی منظرها، اطلاعات، تکنیک‌ها و سازمان‌دهی تکمیل کرد. علت انحصار ارکان اجتهاد در این پنج رکن در این است که هر رکن دیگری در نظر گرفته شود به همین پنج مورد برگشت می‌خورد. فقه ترتیب زمانی فقه ترتیب می‌شود که با این چهار سازوکار تکمیل شود.

۳/۱. منظرها

منظرها از سه گزاره یعنی انگاره، اندیشه‌ها و نظریه‌ها تشکیل می‌شود.

۳/۱/۱. انگاره

می‌توان انگاره‌ی ذهنی را معادل «پیش فرض‌های ذهنی»^{۲۱} یا «تصویر»^{۲۲} و یا «خود پنداشت»^{۲۳} در زبان انگلیسی دانست.^{۲۴} فعل و انفعالات انسانی در چهارچوبی از آگاهی‌های مأنوس در موقعیت‌های متفاوت صورت می‌گیرد این «آگاهی آشنا» و یا «سابقه قبلی» که معمولاً ناخودآگاه است، انگاره نامیده می‌شود.^{۲۵} این پیش فرض‌های ذهنی که بسیار نامحسوس و پنهان هستند تأثیر مستقیم و شگرفی بر قضاوت‌ها و افعال ما دارند. انگاره‌ها از طریق تعامل بین دانش سازمان یافته قبلی و اطلاعات فعلی، موجب این تأثیر می‌شوند بنابراین می‌توان انگاره را به «صورت ذهنی پیشینی قدرتمند و دارای تأثیر ناخودآگاه از یک شیء» تعریف کرد. انگاره در زبان به معنای مطلق گمان و تصوّرات ذهنی است، اما انگاره‌ی اصطلاحی، بر خصوص آن تصویری اطلاق می‌شود که به قدری در ذهن برجسته و بارور شده که به طور اغلب ناخودآگاه، جای موضوع حقیقی می‌نشیند و شخص با آن تصویر مانند واقعیت برخورد می‌کند.^{۲۶} در برخی موارد مراجعه فقیه به انگاره‌های ذهنی و ارتکازات شخصی خود در مسیر استنباط مفید فایده

^{۲۱} Skima

^{۲۲} Image

^{۲۳} Selfconcept

^{۲۴} Garro، ۲۰۰۰، ۲۹۶

^{۲۵} میردامادی و نوروزی، «تحلیل تطبیقی چستی و کارکرد انگاره در شئون مختلف حیات انسانی»، ۱۰۹.

^{۲۶} میردامادی و نوروزی، «تحلیل تطبیقی چستی و کارکرد انگاره در شئون مختلف حیات انسانی»، ۱۰۹.

نیست بلکه باید به ابزارهای مناسب از قبیل پی جویی نظرها، در نظر گرفتن نیازهای زمانه و... گرایش نشان دهد و با خارج از ذهن خویش ارتباط برقرار کند. به عنوان مثال برخی از فقها نسبت به عقود جدید مثل «عقد بیمه» به انگاره‌های ذهنی خود که نشأت گرفته از بحث‌های ضمان،^{۲۷} هبه معوضه^{۲۸} و یا صلح^{۲۹} بوده بسنده کرده و قائلند «عقد بیمه» چون در عصر نزول آیات و صدور روایات نبوده لذا دلیل امضای معاملات شامل آن و عقود جدید نمی‌شود لذا در مرحله انگاره متوقف می‌شوند. انگاره‌ها از دو خصلت برخوردارند یا زائدند و یا کهنه، لذا مستنبط برای دست یافتن به استنباط مطلوب بهتر است با بذل جهد متناسب از این مرحله عبور کرده و به مراحل اندیشه و نظریه برسد؛ همانگونه که حضرت امام(ره) از منظر دیگری به این معاملات نگاه کرده و تحلیل متفاوتی ارائه می‌کنند.^{۳۰}

۳/۱/۲. اندیشه‌ها

اندیشه از انگاره یک مرحله بالاتر است؛ به عبارتی اندیشه یک لباس خودآگاهی به تن دارد. در «عقد بیمه» امام خمینی با به کارگیری تحلیل و تبیی تحسین برانگیز از مرحله انگاره عبور و وارد مرحله اندیشه می‌شوند. در خصوص «عقد بیمه» امام خمینی آن را عقد مستقل می‌داند و تلاش می‌کند تفسیر موسعی از ادله امضای معاملات ارائه دهند تا اختصاص و انحصاری به عقود و معاملات رایج در عصر نزول نداشته باشد لذا در لابه‌لای مباحث فقهی خویش، بارها این مطلب که عقود در ادله‌ای نظیر «اوفوا بالعقود»^{۳۱} اختصاص به معاملات زمان شارع دارد را رد می‌کنند.^{۳۲} بر خلاف سایر فقها^{۳۳} که تلاش کرده‌اند عقد بیمه را تحت عنوان یکی از عناوین خاص رایج صدر اسلام نظیر ضمان، هبه معوضه و یا صلح داخل نمایند؛ امام خمینی با اندیشه و نگرش جدید خود (مستقل دانستن عقود جدید) نظر چنین فقهای را صراحتاً رد می‌کنند.^{۳۴}

۳/۱/۳. نظریه‌ها

فقیه در مقام استنباط کمتر به مرحله نظریه دست پیدا می‌کند و نوعاً در مراحل انگاره و اندیشه متوقف می‌شود همانطور که در بررسی بحث «عقد بیمه» روشن شد که برخی از فقها^{۳۵} در مرحله انگاره متوقف شدند در حالی که حضرت امام(ره) با ابداع نظریه‌ی «زمان و مکان در استنباط فقهی» از مرحله‌ی انگاره و اندیشه عبور کردند. در روند بررسی عقد بیمه، امام خمینی در ابتدا آن را از نظر عقلاً بررسی و می‌نویسد که عقد بیمه از عقود متعارف و متداول است که در آثار و نتایج، تفاوتی با سایر عقود نمی‌کند و در مرحله‌ی بعد با بررسی آیه «اوفوا بالعقود»^{۳۶} و سپس

^{۲۷} حکیم، مستمسک العروه الوثقی، ۳/۴۸؛ فیاض، احکام البنوك و الاسهم و السندات و الاسراق المالیه، ۵۵.

^{۲۸} روحانی، منهاج الصالحین، ۳۰/۳۵.

^{۲۹} سیستانی، المسائل المنتخبه، ۳۲۶.

^{۳۰} تحلیل امام در مرحله «اندیشه» توضیح داده می‌شود. خمینی، کتاب البیع، ۱/۷۱.

^{۳۱} مانده، ۱.

^{۳۲} خمینی، کتاب البیع، ۴/۵۷۵.

^{۳۳} حکیم، مستمسک العروه الوثقی، ۳/۴۸؛ بحر العلوم، بحوث فقهیه، ۳۸؛ روحانی، فقه الصادق، ۲/۱۶۳.

^{۳۴} خمینی، تحریر الوسیله، ۲/۵۷۹.

^{۳۵} حکیم، مستمسک العروه الوثقی، ۳/۴۸؛ بحر العلوم، بحوث فقهیه، ۳۸؛ روحانی، فقه الصادق، ۲/۱۶۳.

^{۳۶} مانده، ۱.

حدیث «المؤمنون عند شروطهم» مطرح می‌کنند که این ادله شامل عقد بیمه هم می‌شوند و شارع مقدس آن را امضا کرده است.^{۳۷} از آنجا که جامعه بشری جامعه‌ای متحول است که به تبع آن احکام اجتماعی نیز متحول خواهند بود و از آنجا که فقه و اجتهاد اسلامی محدود به احکام فردی نیستند باید سازگار با تحولات اجتماعی و برآورنده‌ی نیازهای روزافزون باشند لذا حضرت امام نظریه‌ی «زمان و مکان در استنباط فقهی» را مطرح کردند و براساس همین نظریه می‌نویسند: ادعای انحصار عمومات در معاملات متداول در زمان و وحی، تحلیلی نادرست است. چنین نگرش متحجرانه و برداشت جمودگرایانه، نسبت به این الفاظ عام و شامل، از ساحت مقدس شریعت سمحه و سهله به دور است. چنین جمودی بی‌کم و کاست به‌سان جمود حنابله نسبت به بسیاری از ظواهر دین است. به نظر می‌رسد بر پایه‌ی این تلقی امام خمینی برخی از امور دیگر^{۳۸} را نیز عقد و معامله‌ای مستقل شمرده‌اند.^{۳۹} مثال دیگر گسترش مصادیق عیب از مصادیق مآثور است. در روایات برخی از مصادیق عیب که موجب ثبوت حق خیار می‌شود ذکر شده است^{۴۰} و برخی از فقیهان به این مصادیق فتوا داده‌اند.^{۴۱} گویا که این مصادیق، مصادیق فرازمانی و فرامکانی عیب است که می‌توان طبق آن‌ها فتوا داد ولی امام خمینی با نگاهی برخاسته از نقش زمان و مکان در اجتهاد می‌فرماید آن‌چه موضوع مسئله فقهی است عنوان «عیب» است و مرجع تشخیص مفهوم و مصداق آن، عرف است. قرینه‌ای که باعث شده ایشان مصادیق مذکور در روایات را امری ثابت و قابل افتا در فقه ندانند این است که عیب از عناوینی است که مفهوم و مصداق آن به حسب زمان‌ها، مکان‌ها، اعتبارها و عقائد مختلف می‌شود و امری که متغیر است نمی‌تواند ضابطه مسئله فقهی باشد.^{۴۲} امام خمینی بر این باور است که اسلام، در خصوص معاملات (به معنای عام)، ضوابط و چارچوب‌های مشخصی را تعیین کرده است. اسلام نه تنها با اشکال سنتی معاملات مانند مزارعه و مضاربه مخالفت نکرده، بلکه انواع جدید معاملات را نیز به طور مطلق رد نمی‌کند. در واقع، معاملات جدید را مادامی که در چارچوب ضوابط اسلامی قرار گیرند، می‌پذیرد و در غیر این صورت، آن‌ها را نفی خواهد کرد. امام خمینی (ره) با نظریه «زمان و مکان در استنباط فقهی»، فقه را از مرحله انگاره و اندیشه فراتر برده و به نظریه‌پردازی در مسائل نوظهور، مانند عقد بیمه، پرداخته‌اند و در واقع با این نظریه برخلاف سایر فقها چینش و نظم دقیقی به سازوکارهای فقه ترتیب می‌دهند.

۲/۳. اطلاعات

مجموعه دانش‌های فقیه را اطلاعات فقیه گویند که مطلوب است در مسیر استنباط به کار گرفته شود. از آن جمله آگاهی بر ارکان اجتهاد، آشنایی با فعالیت‌های درون مؤلفه‌ای این ارکان و ... است. یکی از فعالیت‌های درون مؤلفه‌ای در فقه نصوص توجه فقیه به فقه الانطلاق است. انطلاق به معنای عزیمت و حرکت به سمت فهم نص است. اگر

^{۳۷} خمینی، تحریرالوسیله، ۵۷۹/۲.

^{۳۸} مانند تخریص در گرفتن زکات غلات که می‌نویسند: «هو معامله عقلانیة برأسها» یا در مورد تخریص میان مالک و زارع در مزارعه نیز همین تعبیر را دارند.

(خمینی، تحریرالوسیله، ۳۱۱/۱ و ۶۰۸).

^{۳۹} خمینی، تحریرالوسیله، ۳۱۱/۱ و ۶۰۸.

^{۴۰} حرعاملی، وسائل الشیعه، ۹۷/۱۸.

^{۴۱} محقق حلی، شرایع الاسلام، ۲۹۰/۲.

^{۴۲} خمینی، کتاب البیع، ۱۸۲/۵.

فقیه سراسیمه‌وار به سمت نص رود و بدون فهم کردن نص با آن مواجه شود در این صورت ذهنیت‌های از پیش داشته‌اش بر روی فهم صحیح از نص تأثیر می‌گذارد؛ هرچند ممکن است از نص مفاهیمی را به دست آورد اما آن اجتهاد مفید و مؤثر حاصل نمی‌شود. از این رو مکرر امام خمینی در مسجد شیخ انصاری نجف به طلبه‌ها می‌فرمودند که مسائل شرعی را در میان خیابان و بازار بررسی کنند، نه در حجره‌های در بسته‌ی مدرسه و در متن واقعیات قرار گیرند نه آن‌که موضوعی را فرض کرده حکم فرضی آن را مشخص کنند.^{۴۳} نمونه انطلاق را شهید صدر برای فهم و تفسیر قرآن بیان کرده است که می‌توان آن را به سایر علوم از جمله فقه تسری داد؛ ایشان می‌نویسند: در ابتدا ابعاد مسئله را بشناسید (اگر موضوع فقهی است موضوع را باید شناخت)؛ یعنی کلام دانش و دانشمندان مختلف را ببینید که چه گفته‌اند سپس افت و خیزها و عوامل موفقیت و شکست‌ها را بررسی نمایید و پیوسته برای خود سؤال طرح کرده و بعد به قرآن مراجعه نمایید و در مواجهه با متن قرآن چندین مرتبه تعامل و برخورد داشته باشید که زبان قرآن نیز بر روی شما گشوده شود؛ مجموعه این فعالیت‌ها و برخوردها، انطلاق (نظریة الاستنتاج) نامیده می‌شود.^{۴۴} بنابراین اولاً فقیه نباید با ذهنیت خودش سراغ نص برود ثانیاً فقیه می‌بایست در برخورد با نص سراغ موضوع رود و موضوع‌شناسی کند حتی اگر موضوع قدیمی باشد، چرا که موضوع قدیمی در فقه معاصر کارکردهای جدیدی پیدا می‌کند و کارکردها هم جزء موضوع است. یکی از پیامدهای اصلی نگاه عمیقاً عقلایی امام خمینی (ره) به مسائل فقهی معاملات، این است که ایشان در مباحثی که ذاتاً ماهیتی عقلایی دارند، در آغاز به اطلاعاتی از قبیل قواعد و ارتکازات عقلایی مراجعه می‌کنند سپس، بر پایه دستاوردهای حاصل از تحلیل این قواعد و ارتکازات عقلایی، به سایر اطلاعات خویش از قبیل آیات و روایات رجوع می‌کنند.

اطلاعات فقیه در چینش سازوکارهای فقه ترتیب از اهمیت بسزایی برخوردار است به گونه‌ای که نقص در اطلاعات موجب جابه‌جایی سازوکارها و عدم چینش صحیح آن‌ها خواهد شد که ممکن است برآیند استنباط به دلیل طی کردن ناصحیح فرآیند با خطا مواجه شود به عنوان مثال امام (ره) خمینی در شرط سوم از شروط عوضین بعد از بررسی اجماع، عدم خلاف و روایات می‌نویسند: نهی در حدیث (نهی النبی عن بیع الغرر) نهی ارشادی است و بر بطلان و فساد متعلق خود دلالت دارد بدون اینکه بر حکم تکلیفی دلالت داشته باشد^{۴۵} و حال آنکه محقق خویی قائل است نهی در حدیث از نوع نهی مولوی است و بر حرمت تکلیفی محض دلالت می‌کند.^{۴۶} در این مسئله امام خمینی با اطلاع از ادله‌ای (ره) همچون اجماع و عدم خلاف در مسئله، روایات را بررسی و سپس نتیجه‌گیری می‌کنند و حال آنکه محقق خویی برای حل این مسئله هیچ اشاره‌ای نسبت به وجود اجماع و عدم خلاف ندارد^{۴۷} و صرفاً به بررسی روایات بسنده می‌کنند لذا نتیجه‌ی استنباط امام خمینی و محقق خویی متفاوت می‌شود.

^{۴۳} معرفت، نقش زمان و مکان در روند اجتهاد، ۳۲۸.

^{۴۴} صدر، مقدمات فی التفسیر الموضوعی للقرآن، ۱۵/۱.

^{۴۵} ویمکن الحمل علی بیع الخدعة، لکن لا بدّ من حمل النهی فیہ علی الحرمة. خمینی، کتاب البیع، ۳۰۹/۳.

^{۴۶} فتاوة یراد منه معنی الخدعة فیکون النهی متمحّناً للنهی التکلیفی فلا یكون موجبا للفساد و قد ذکر ذلك جملة من أهل اللغة. خویی، مصباح الفقاهه من المعاملات، ۲۵۹/۵.

^{۴۷} شایان ذکر است که عدم استناد محقق خویی به اجماع و عدم خلاف و صرفاً بررسی روایات، ناشی از تفاوت در روش فقهی این دو فقیه است؛ چرا که محقق خویی غالباً از روش تطبیقی و امام خمینی از روش تحلیلی (تجمیع ظنون) بهره می‌برند. جهت مطالعه بیشتر: ابراهیم‌زاده، کاظم؛ دلاوری، حسن (۱۴۰۲).

یکی از تکنیک‌ها در فقه ترتیب این است که روش یک فقیه برجسته و نوع برخورد او با مسائل گزینش شود و سپس براساس عملکرد آن فقیه، به سایر مسائل نظم بخشیده شود. امام خمینی در حوزه علمیه قم تحت تأثیر آیت الله بروجردی قرار داشت. آیت الله بروجردی به بررسی تاریخیچه و ریشه مسائل توجه می‌کرد و به یک روایت بسنده نمی‌کرد، بلکه مجموعه‌ای از روایات را مد نظر قرار می‌داد. این رویکرد باعث می‌شد که گاهی متهم به تمرکز بر تاریخ شود، در حالی که هدف او ردیابی صحت گفته‌ها بود.^{۴۸} به عنوان مثال امام خمینی در بحث ولایت فقیه که یک شاخص است در نوع روش، نوع ورود و خروج، نوع مبانی، نوع نگرش، با آقای بروجردی همسو است. امام خمینی در بحث ولایت فقیه به یک یا نوزده روایتی که در این باب وجود دارد بسنده نمی‌کند چرا که معتقد است باید بحث را از بحث‌های کلامی شروع کرد که اصلاً خدا برای چه پیامبر را فرستاد؟ پیامبر را فرستاد که تدبیر امور کند؟ آیا این غرض و هدف بعد از پیامبر تمام می‌شود؟ آیا امام معصوم وقتی غیبت کرد تدبیر امور تعطیل می‌شود؟ افزون بر اینکه قطعاً برخی روایات در طول تاریخ گم و برخی تحریف شده است، برخی از این روایات نمی‌توانسته به دست ما برسد؛ زیرا زمان حاکمیت طاغوت بوده و تقیه می‌کردند و اساساً امکان نداشته برخی از روایات حفظ شود. در این شرایط فقیه نمی‌تواند به این تعداد روایت در بهترین حالت اکتفا کند و با همین موارد استنتاج کند و بگوید ولایت فقیه با این مختصات نداریم چون طبق برخی نظرات، محور روایت است و این روایات دلالت یا سند ندارند پس موضوع منتفی است. امام خمینی می‌گویند ما دلیل عقلی و مبانی کلامی داریم و آن‌ها دال بر ولایت فقیه است حتی اگر روایت هم نداشته باشیم.^{۴۹} صاحب جواهر، شیخ انصاری، محقق داماد، شیخ عبدالکریم حائری، بروجردی و حضرت امام خمینی از جمله فقهایی هستند که غالباً در فرآیند استنباط بر اساس روش تحلیلی اقدام می‌کنند که شخص بارز در این روش آیت الله بروجردی است.^{۵۰} امام خمینی در فرآیند استنباط خود، عملکرد اساتید خویش همچون شیخ عبدالکریم حائری و آیت الله بروجردی و نوع برخورد آن‌ها با مسائل را بر می‌گزیند و مشابه برخورد ایشان با مسائل برخورد می‌کنند. از جمله نوع برخورد و روش حضرت امام و آیت الله بروجردی نسبت به تطبیق آیات، روایات، قواعد و...^{۵۱} بر مسائل غالباً یکی است. اگر روش فقهی این دو فقیه در مواردی که با یکدیگر متفاوت اند تلفیق شود می‌تواند منجر به فراهم شدن شیوه‌ای جدید از اجتهاد و فقاهاست شود که به سهولت نیازهای جامعه را پاسخ دهد.^{۵۲} امام خمینی، مانند آیت الله بروجردی، در استنباط فقهی از روشی تحلیلی و جامع‌نگر پیروی می‌کنند. این روش در بررسی بحث ولایت فقیه شامل بررسی تاریخیچه مسائل، در نظر گرفتن مجموعه‌ای از روایات به جای اکتفا به تعداد کم، و اتکا به ادله عقلی و مبانی کلامی در کنار روایات است. امام خمینی با فعال کردن سومین

تحلیلی بر روش اجتهادی امام خمینی و محقق خویی با تاکید بر کتاب الخلل فی الصلاه، دوفصلنامه آموزه‌های فقه عبادی، دوره ۳، شماره ششم، صفحات ۷-۲۵.

^{۴۸} ایزدی، مکتب‌شناسی فقهی، ۹۶.

^{۴۹} خمینی، کتاب البیع، ۶۴۶/۲.

^{۵۰} ایزدی، درآمدی بر مکتب فقهی قم و نجف، ۱۸۵.

^{۵۱} خمینی، کتاب البیع، ۳۱۴/۲؛ بروجردی، تقریر بحث السید البروجردی، ۲۷۷/۲.

^{۵۲} ایزدی، مکتب‌شناسی فقهی، ۵۱۷.

سازوکار فقه ترتیب (تکنیک) به مسیر استنباط خویش نظم می‌بخشد و بر اساس همین سازوکار با سایر مسائل برخورد می‌کنند. اما برخی فقها مانند محقق خویی به دلیل تفاوت در روش فقهی‌ای که با امام خمینی دارند از چنین تکنیکی بهره نمی‌برند و در بحث ولایت فقیه از میان ادله تنها دلیل را امور حسبیه دیده‌اند و روایات را به دلیل ضعف سند کنار گذاشته‌اند.^{۵۳}

۳/۴. سازمان‌دهی

به تنظیم مؤلفه‌هایی همچون آیات، روایات، قواعد فقهی و... که توسط فقیه در مسیر استنباط به کار گرفته می‌شود سازمان‌دهی گویند. در سازمان‌دهی مشخص می‌شود فقیه اول به حدیث و بعد به قواعد اصولی مراجعه می‌کند یا بالعکس. فرایند کلان اجتهاد امام خمینی در عبادات همانند شیوه مرسوم بسیاری از فقهاست که نخست به کتاب و سنت مراجعه می‌کنند و سپس بقیه مراحل اجتهاد را طی می‌کنند اما در معاملات، فرایند اجتهاد ایشان متفاوت است و در مواضع متعددی به مبتنی بودن بنائات و اعتبارات عقلانی بر مصالح و دوام نظام معیشت عقلاً اشاره داشته‌اند. در امور اجتماعی، امور سیاسی، امور حکومتی که عمدتاً عقل نسبت به آن‌ها ورود دارد امام می‌گوید اینجا عقل دلیل قاطع است و نیازی به بقیه نیست. در بحث ولایت فقیه امام خمینی برای دلیل عقل اولویت و اولویت قائل است یعنی اول از عقل شروع می‌کند و بعد به روایات می‌پردازد که شاید دیگران دلیل عقل را به مثابه مؤید بیاورند. برخی از فقها از جمله محقق خویی^{۵۴} غالباً با ذهن خالی سراغ حدیث می‌روند و بعد به سایر ادله مراجعه می‌کنند، در صورتی که برای یک استنباط مطلوب باید رفت و برگشت‌های مراجعه به منابع شریعت و ادله، دارای ترتیب و نظم باشد. اغلب فقها بر این باورند که در فرآیند استنباط احکام، میان احکام عبادی و معاملاتی تفاوت چشمگیری وجود ندارد؛ چه آنکه هر دو را «تعبدی» و «رمزی» می‌دانند. این بدان معناست که درک ژرفای فلسفه احکام، امری دشوار بوده و تنها راه، پیروی از اوامر الهی است. از این رو، جایگاه فقه ترتیب و تقدیم و تأخیر ادله در استنباط، نزد این گروه از فقها، در مواجهه با عبادات و معاملات، تفاوتی ماهوی ندارد. اما امام خمینی عبادات را کاملاً «تعبدی» و معاملات را ذاتاً «عقلانی» می‌داند و معتقدند که احکام معاملاتی ریشه در مصالح و منافع عقلایی جامعه دارند و در چارچوب منطق و عقل قابل توضیح هستند. حاصل آنکه این تمایز در دیدگاه امام خمینی (ره) نشان‌دهنده درک ایشان از دین به عنوان یک نظام جامع است که هم جنبه‌های تعبدی (عبادات) و هم جنبه‌های کاملاً عقلایی و اجتماعی (معاملات) را در بر می‌گیرد و هم با تفکیک عبادات از معاملات جایگاه فقه ترتیب را در مسیر استنباط خویش لحاظ می‌کنند.

نتیجه

از آنچه مطرح شد نتایج ذیل به دست می‌آید:

۱. اگر پی بردن به اندیشه‌های فقیهان بزرگ همچون حضرت امام خمینی بر یک محقق در فقه، ضروری است - که ضروری است - و اگر ارزیابی و قیمت نهادن بر آن اندیشه‌ها لازم است - که لازم است - باید

^{۵۳} خویی، مصباح الفقاهه من المعاملات، ۲۵۷/۶؛ خویی، التتقیح فی شرح العروه الوثقی، ۳۵۸/۱؛ خویی، صراط النجاه، ۴۶۲/۲؛ خویی، منهاج الصالحین، ۳۶۶/۱.

^{۵۴} خویی، موسوعه الامام خویی، ۱۰۹/۱۸.

روش ایشان را شناخت و بر پایه آن شناخت، با اطمینان به اندیشه‌های آن‌ها راه پیدا کرد و از روی آگاهی کامل، ارزیابی نمود و این امر با شناخت فقه ترتیب و پیاده‌سازی و تطبیق سازوکارهای آن (منظرها، اطلاعات، تکنیک‌ها، سازمان‌دهی) محقق خواهد شد.

۲. ارکان اجتهاد به پنج دسته از قبیل: فقه موضوع، فقه اقوال، فقه نصوص، فقه ترتیب و فقه تطبیق تقسیم می‌شود که هر کدام از این پنج رکن را باید با چهار سازوکار یعنی منظرها، اطلاعات، تکنیک‌ها و سازمان‌دهی تکمیل کرد. علت انحصار ارکان اجتهاد در این پنج رکن در این است که هر رکن دیگری در نظر گرفته شود به همین پنج مورد برگشت می‌خورد. فقه ترتیب زمانی فقه ترتیب می‌شود که با این چهار سازوکار تکمیل شود و قبل از تکمیل شدن صرفاً تعامل با قواعد است و از تعریف فقه ترتیب خارج است. ۳. هر مقدار مفردات مناسب و صحیحی جهت یک استنباط مطلوب فراهم شود؛ اما تا هنگامی که این عناصر در ترتیب و چینش درستی نسبت به یکدیگر قرار نگرفته و به طور مناسب با یکدیگر مواجه نگردند و کنش و واکنش صحیحی بین آن‌ها رخ ندهد، فایده‌چندانی بر آن‌ها مترتب نخواهد شد. هر چند تهیه مواد خام مناسب برای تغذیه یک استنباط امری ضروری است؛ اما به تنهایی کافی نیست و باید با ترکیب، ترتیب و چینش دقیق آن‌ها به استنباط مطلوب دست یافت. چینش و ترتیب بایسته عناصر جهت شکل‌گیری استنباط کارآمد از محورهای مورد بررسی در روش شناسی اجتهاد است.

۴. فقه ترتیب باید به عنوان بخشی اساسی از یک فرآیند استنباطی صحیح در نظر گرفته شود و در روند حل اجتهادی یک مسئله، باید به این موضوع به طور کافی توجه شود. به عبارت دیگر، نبود برخی از عناصر روشی در فرآیند استنباط می‌تواند مانع از کشف حقایق موجود در مسأله مورد بررسی گردد. از جمله مهمترین این عناصر فقه ترتیب است که خود شامل چهار سازوکار (منظرها، اطلاعات، تکنیک‌ها، سازمان‌دهی) می‌شود. یکی از گام‌های امام خمینی در مسیر استنباط، پرداختن اجتهادی به مسئله، تطبیق و ترتیب صحیح قواعد بر مسائل و شناسایی دیدگاه‌های موجود در باب آن است.

۵. امام خمینی با استفاده از فقه ترتیب، گفتار و گفتمان خویش را کامل می‌کند و همان‌گونه که می‌اندیشد سخن می‌گوید و در نهایت به صدور فتوا و حکم اقدام می‌نماید و آنچه در مسیر استنباط برای ایشان مهم است استنباط براساس فقه سنتی و منضبط است نه بر پایه فقه سنتی و مشهور و مهم و مقصود در نزد ایشان فرآیند صحیح است نه فرآورده بر طبق مشهور که با به کارگیری فقه ترتیب و سازوکارهای آن فرآیند صحیح را طی می‌کنند.

منابع:

قرآن کریم

- انصاری، مرتضی. کتاب الطهاره. قم: کنگره بزرگداشت شیخ انصاری، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- انصاری، مرتضی. فرائد الاصول. قم: مجمع الفکر الاسلامی، چاپ نهم، ۱۴۲۸ق.
- ایزدی، حسین. در آمدی بر مکتب فقهی قم و نجف. قم: اشراق حکمت، چاپ اول، ۱۳۹۸.
- ایزدی، حسین. مکتب‌شناسی فقهی. قم: کتاب فردا، چاپ اول، ۱۴۰۳.

- بحرانی، یوسف. الحقائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة. تحقیق: محمدتقی ایروانی، بیروت: دارالاضواء، چاپ دوم، ۱۴۰۵ق.
- بحرالعلوم، عزالدین. بحوث فقهیه (تقریرات درس آیت الله حسین حلی). بیروت: دارالزهر، چاپ دوم، ۱۳۹۳ق.
- بروجردی، سید حسین. تقریر بحث السید البروجردی. به قلم علی پناه اشتهااردی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
- حراملی، محمدبن حسن. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. قم: موسسه آل البيت، چاپ سوم، ۱۴۱۶ق.
- حکیم، سیدمحسن. مستمسک العروه الوثقی. قم: دارالتفسیر، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- خمینی، سید روح الله. تحریر الوسیله. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- خمینی، سید روح الله. کتاب البیع. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۹۲.
- خمینی، سید روح الله. الرسائل العشره. قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
- خویی، سیدابوالقاسم. موسوعة الإمام الخوئی. قم: موسسه احیاء آثار الامام الخوئی، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
- خویی، سیدابوالقاسم. مصباح الفقاهه من المعاملات. قم: نشر انصاریان، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- خویی، سیدابوالقاسم. التنقیح فی شرح العروه الوثقی. قم: موسسه احیاء آثار الامام الخوئی، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
- خویی، سیدابوالقاسم. صراط النجاه. قم: برگزیده، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
- خویی، سیدابوالقاسم. منهاج الصالحین، مدینه العلم، چاپ اول، قم، ۱۴۱۰ق.
- روحانی، سیدمحمدصادق. فقه الصادق. قم: مدرسه الامام صادق، چاپ سوم، ۱۴۱۲ق.
- روحانی، سیدمحمدصادق. منهاج الصالحین. بیروت: دار بلال للطباعة و النشر، چاپ اول، ۱۴۳۵ق.
- سیستانی، سیدعلی. المسائل المنتخبه. قم: مکتب آیت الله العظمی سیستانی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
- صاحب جواهر محمد حسن. جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: مؤسسه المرتضی العالمیه، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- صدر، سیدمحمدباقر. مقدمات فی التفسیر الموضوعی للقرآن. بی جا: دار التوجیه الاسلامی، چاپ اول، بی تا.
- عراقی، ضیاءالدین. حاشیه المکاسب. محرر ابوالفضل نجم آبادی، قم: الغفور، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- علیدوست، ابوالقاسم. روش شناسی اجتهاد. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۳.
- فیاض، محمداسحاق، احکام البنوک و الاسهم و السندات و الاسراق المالیه، قم: مکتب سماحه الشیخ محمد اسحاق فیاض، چاپ اول، بی تا.
- قراملکی، احد. روش شناسی مطالعات دینی. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ اول، ۱۳۹۵.
- مبلغی، احمد. درس خارج و گام های اجتهاد. قم: نشر اشراق حکمت، چاپ اول، ۱۳۹۸.
- محقق حلی، جعفر بن حسن. شرایع الاسلام، تهران: انتشارات استقلال، چاپ اول، ۱۴۰۹.
- معرفت، محمدهادی. نقش زمان و مکان در روند اجتهاد. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۴.

میردامادی، سیدمجتبی؛ نوروزی، علیرضا، تحلیل تطبیقی چستی و کارکرد انگاره در شئون مختلف حیات انسانی، دوفصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های عقلی نوین، دوره ۶، شماره یازدهم، صفحات ۱۰۷-۱۳۱

Sources:

The Holy Quran

Alidoust, Abul-Qasem. Methodology of Ijtihad. Tehran: Islamic Culture and Thought Research Institute, first edition, ۱۴۰۳. (in Persian)

Ansari, Murtaza. Faraid al-Asul. Qom: Majma' al-Fikr al-Islami, ninth edition, ۱۴۲۸ AH.

Ansari, Murtaza. Kitab al-Taharah. Qom: Sheikh Ansari Commemoration Congress, first edition, ۱۴۱۵ AH.

Bahr al-Uloom, Izz al-Din. Jurisprudential Studies (Lecture Lectures of Ayatollah Hossein Helli). Beirut: Dar al-Zahra, second edition, ۱۳۹۳ AH.

Bahrani, Yusuf. Al-Hadeeq al-Nadhra fi ahkam al-Atra al-Tahirah. Researched by: Muhammad Taqi Irawani, Beirut: Dar al-Adwaa, second edition, ۱۴۰۵ AH.

Borujerdi, Seyyed Hossein. Report of the debate of Sayyid Borujerdi. Written by Ali Panah Eshtehardi, Qom: Islamic Publications Office, first edition, ۱۴۱۶ AH.

Fayyaz, Mohammad Ishaq, Rules of Banks, Shares, and Financial Transactions, Qom: Maktaba Samahah Sheikh Mohammad Ishaq Fayyaz, first edition, Beta.

Hakim, Seyyed Mohsen. The authentic document of the arwah. Qom: Dar al-Tafsir, first edition, ۱۳۷۴.

Haramili, Muhammad ibn Hassan. The means of Shia to acquire Sharia issues. Qom: Al-Bayt Institute, third edition, ۱۴۱۶ AH.

Iraqi, Ziauddin. Margin of Al Makasab Edited by Abul-Fadl Najmabadi, Qom: Al-Ghafur, first edition, ۱۳۷۹.

Khoei, Seyyed Abu al-Qasim. Encyclopedia of Imam al-Khoei. Qom: Institute for Revival of the Works of Imam Al-Khoei, first edition, ۱۴۱۸ AH.

Khoei, Sayyid al-Qasim. The Lamp of Jurisprudence from Transactions. Qom: Ansariyan Publishing House, first edition, 1417 AH.

Khoei, Sayyid al-Qasim. The Revision of the Explanation of the Authentic Works of Al-Urwah. Qom: The Institute for the Revival of the Works of Imam Khoei, first edition, 1418 AH.

Khoei, Sayyid al-Qasim. The Path of Salvation. Qom: Barzada, first edition, 1416 AH.

Khoei, Sayyid al-Qasim. Minhaj al-Salihin, Madinah al-Ilm, first edition, Qom, 1410 AH.

Khomeini, Seyyed Ruhollah. Tahrir al-Wasilah. Tehran: Institute for the compilation and publication of Imam Khomeini's works, first edition, ۱۳۷۹. (in Persian)

Khomeini, Seyyed Ruhollah. The book of al-Bai. Qom: Institute for the compilation and publication of Imam Khomeini's works, first edition, ۱۳۹۲.

Khomeini, Seyyed Ruhollah. The Ten Messages. Qom: Institute for the compilation and publication of Imam Khomeini's works, first edition, ۱۴۲۰ AH.

Ma'raft, Mohammad Hadi. The Role of Time and Space in the Process of Ijtihad. Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works, first edition, ۱۹۹۵. (in Persian)

Mirdamadi, Seyed Mojtaba; Norouzi, Alireza, Comparative Analysis of the Essence and Function of the Idea in Different Aspects of Human Life, Bi-Quarterly Scientific Research Journal of Modern Intellectual Research, Volume ۶, Issue ۱۱, Pages ۱۳۱-۱۰۷ (in Persian)

Mubaghi, Ahmad. The Lesson of the Outside and the Steps of Ijtihad. Qom: Ishraq-e-Hikmat Publishing, first edition, ۱۳۹۸. (in Persian)

Muhaqq-e-Hilli, Jafar ibn Hassan. Sharay'e-e-Islam, Tehran: Esteghlal Publishing, first edition, ۱۴۰۹.

Qaramalki, Ahad. Methodology of Religious Studies. Mashhad: Razavi University of Islamic Sciences, first edition, ۱۳۹۵. (in Persian)

Rouhani, Seyyed Mohammad Sadiq. Al-Sadiq jurisprudence. Qom: Al-Imam Sadiq School, ۳rd edition, ۱۴۱۲ AH.

Rouhani, Seyyed Mohammad Sadiq. Minhaj al-Salehin. Beirut: Dar Bilal for printing and publishing, first edition, ۱۴۳۵ AH.

Sadr, Seyyed Mohammad Bagher. Preliminaries in al-Tafsir al-Umiy al-Qur'an. Bija: Dar al-Orthiq al-Islami, first edition, beta.

Sistani, Seyyed Ali. Selected issues. Qom: Grand Ayatollah Sistani School, first edition, ۱۴۲۲ AH.

The owner of Jawahar Mohammad Hassan. Jawaharlal Kalam in the explanation of the laws of Islam. Beirut: Al-Mortaza Al-Alamiya Institute, second edition, ۱۴۰۴ AH.

Yazidi, Hossein. Introduction to the School of Jurisprudence of Qom and Najaf. Qom: Ishraq al-Hikmat, first edition, ۱۳۹۸. (in Persian)

Yazidi, Hossein. School of Jurisprudence. Qom: Kitab Farda, first edition, ۱۴۰۳. (in Persian)